

سرمقاله

نفوذی ها خطر ناک ترند

محمد رضا هویدا

در روزهای گذشته، علاوه بر حملات منظم طالبان بر مناطقی از کشور که در برخی موارد به سقوط شماری از این مناطق منجر شد، حملات تروریستی و طرح های ترور شخصیت های سیاسی، نیز به اجرا در آمد. حملات سسنگین و منظم بر شهرها و ولسوالی ها و ولایات کشور معمولا از سوی طالبان طراحی و اجرا می شوند. طالبان در بسیاری از ولایات سنگرهای دایمی در مقابل نیروهای دولتی دارند و با انواع تجهیزات و سلاح های مختلف در مقابل دولتی می جنگند. جنگ ها در هلمند، کندز، فراه، بغلان و ... همه از سوی طالبان راه اندازی و پیش برده می شود. اما حملات تروریستی علیه مردم و شخصیت های سیاسی در این اواخر به گروه های تروریستی جدیدی مانند داعش نسبت داده شده است. این حملات در نوع خود کاملا بی رحمانه و با هدف تخریب و از بین بردن وحدت ملی و به منظور برهم زدن وضعیت امنیتی و سیاسی موجود صورت گرفته است.

در همه این موارد چند موضوع قابل توجه و تأمل است: اول: این حملات بدون وجود نفوذی های طالبان و دیگر گروه های تروریستی در داخل دولت و خصوصا نیروهای امنیتی کشور قابلیت اجرا ندارند. طرح کیمین بر کاروان افراد معاون اول ریاست جمهوری به وضوح نشان می دهد که این حمله بر اساس کار و اطلاعات نفوذی های طالبان در سطوح مختلف نیروهای امنیتی طراحی و اجرا شده است. طرح ترور معاون اول ریاست جمهوری، در واقع زنگ خطری است برای دولت مردان افغانستان که باید در مورد احتمال نفوذ دشمن در صفوف نیروهای امنیتی کشور با جدیت برخورد کنند. سقوط کندز، حمله بر عزاماران در کارته سختی و همه بیانگر این مدعا است.

دوم: معاون اول ریاست جمهوری تعهد کرده، با کسانی که در جنگ با طالبان در ولسوالی غورماچ غفلت کرده اند، برخورد جدی کرده و آنان را به نهادهای عدلی و قضایی معرفی می کند. پیش از این نهاد ریاست جمهوری نیز متعهد شده بود، با کسانی که در سقوط کندز مقصر بوده و یا نقش داشته اند به صورت جدی برخورد می کند. چنین تهددها و تهدیدها در جاهای دیگری مثل هلمند نیز از سوی مقامات دولتی صورت گرفته است. پیش از این نیز، بارها از سوی شخصیت های سیاسی و اجتماعی موضوع وجود کسانی در سطوح مختلف دولت و حتا وجود کسانی در شهر کابل که برای طالبان کار می کنند، خبر داده شده بود. آنان تهدید کنون چنین اقدامی صورت نگرفته است و هیچگاه لیستی نیز افشا نشده است.

سوم: معاون ریاست جمهوری از خطر گسترش نفوذ داعش در شمال کشور هشدار داده است. گسترش حضور و نفوذ داعش در شمال کشور بدون وجود نفوذی های و کسانی که در سطوح مختلف دولت و نهادهای امنیتی، به نحوی زمینه این حضور و نفوذ را فراهم کنند، ممکن نیست.

سؤال مهم و اساسی این است که این افراد و نفوذی ها، چه کسانی هستند؟ چگونه توانسته اند در سطوح مختلف دولتی وارد شوند؟ و چگونه توانسته اند در طول سالها پمانند، کار کنند؟ این افراد مطمئنا چنان قدرت و نفوذی دارند که عالی ترین مقامات دولتی مجبورند آنان را تهدید کنند و هشدار دهند. تهدید و هشدار بداند امنیتی نمی تواند به صورت مستقیم و بدون تعلل وارد عمل شده و آنان را دستگیر نموده و با جزای اعمالشان برسانند. همچنان، این افراد دارای شبکه وسیعی هستند که قادر هستند زمینه حملات و حتا سقوط شهرها و ولایات به دست دشمن را دارند.

عملکرد دولت در مواجهه با این افراد و عمل ساختن هشدارها مبنی بر کشتابیدن این افراد به پای میز محاکمه و عدالت، نشان خواهد داد که دولت تا چه اندازه در شناسایی دشمنان داخلی و افراد و شبکه هایی که از داخل علیه نظام سیاسی و مردم می جنگند، موفق است.

در نهایت باید گفت: تا زمانی که دولت و دولت مردان هشدارهای خود را در این زمینه عملی نکرده اند، بخش مهمی از جنگ پایان نیافته مانده و دشمنان داخلی به دنبال تحقق هدف خود که سقوط دولت است، خواهند بود.

اهمیت حق دسترسی به اطلاعات در تحکیم دموکراسی

رضا احسانی



پانزده سال از تشکیل نظام جدید در افغانستان می گذرد. نظامی که بر مبنای ارزش های دموکراسی و حقوق بشر بنا نهاده شد. با تشکیل نظام جدید، قانون اساسی بر اساس ارزش های دموکراسی تدوین شد و در قانون اساسی جدید بر اصل عدالت، تکثرگرایی و حقوق بشر تأکید صورت گرفت و حقوق شهروندی به منظور رعایت حقوق همگانی و جلوگیری از استبداد، اختناق و تبعیضات قومی، زبانی و مذهبی در متن قانون اساسی گنجانیده شد. با آن که بیش از یک و نیم دهه از حاکمیت نظام دموکراتیک در کشور می گذرد، اما تا هنوز بسیاری از ماده های قانون اساسی تعطیل مانده و مورد تطبیق قرار نگرفته است. حق دسترسی تمامی شهروندان به اطلاعات از جمله مؤلفه های حقوق شهروندی است که متأسفانه به دلایل گوناگون مورد غفلت و بی توجهی قرار گرفته و شهروندان افغانستان تا هنوز از استفاده از حق دسترسی به اطلاعات محروم مانده و تعدادی از افراد و بخصوص محققان و خبرنگاران به این دلیل حتا مورد خشونت و یا در معرض تهدید قرار گرفته اند. یکی از چالش های مهم کار روزنامه نگاری و خبرنگاری در افغانستان این است که روزنامه نگاران به اطلاعات لازم و مورد نیاز دسترسی ندارند. مسؤلان دولتی این حق را برای شهروندان به رسمیت نمی شناسند و به این خاطر حاضر به ارائه معلومات به شهروندان و به خبرنگاران و محققان نمی شوند. وقتی خبرنگاران به اطلاعات مؤثق و رسمی دسترسی نداشته باشند، مجبورند برای تکمیل گزارش و خبر خود از منابع خارجی و یما منابع داخلی غیر مؤثق بهره ببرند. استفاده از این گونه منابع از یک طرف ممکن است با اهداف ملی و مسؤلیت های خبرنگاری سازگاری نداشته باشد و از سوی دیگر امکان دارد برخورد های قضایی را برای خبرنگاران و مسؤلان رسانه ها به دنبال داشته باشد.

فرمان رئیس جمهور غنی مبنی بر اجرای این قانون، گام مهم در جهت شفافیت در سیاست ها و کارکرد های ادارات دولتی به حساب می آید. اگرچه تأخیر در اجرای این قانون سبب شده که دقت و صحت گزارش ها و اخبار به کلی نادیده گرفته شود. در این صورت علاوه بر مشکلات زیادی که ممکن است در سطح ملی به وجود آید، اعتبار رسانه ها را نیز در نزد مردم خدشه دار می سازد. از طرف دیگر چنانچه به دلیل دقت بیشتر در صحت خبر، از نشر گزارش های به موقع باز ماند، دیگر فلسفه وجودی رسانه ها زیر سؤال می رود و نمی تواند کارکرد اصلی اش را در رساندن سریع اخبار برای مردم انجام دهد. در این صورت مطمئنا مردم نیازهای خبری شان را از منابع دیگر به دست می آورند. حق دسترسی به اطلاعات علاوه بر این که یکی از حقوق مسلم مردم به شمار می رود و تطبیق و اعمال این حق در تحکیم ارزش های دموکراسی نقش ایفا می کند، گردش اطلاعات، نظارت همگانی بر کارکرد ادارات دولتی، تقویت حسن اعتماد مردم به حکومت، افزایش فرایند رقابت در عرصه های اقتصادی را نیز تسهیل می کند.

سازد. مسأله مهم در اعتبار رسانه ها، البته نشر سریع اخبار و گزارش های جدید است؛ اما توجه به نشر سریع مطالب و گزارش ها نباید سبب شود که دقت و صحت گزارش ها و اخبار به کلی نادیده گرفته شود. در این صورت علاوه بر مشکلات زیادی که ممکن است در سطح ملی به وجود آید، اعتبار رسانه ها را نیز در نزد مردم خدشه دار می سازد. از طرف دیگر چنانچه به دلیل دقت بیشتر در صحت خبر، از نشر گزارش های به موقع باز ماند، دیگر فلسفه وجودی رسانه ها زیر سؤال می رود و نمی تواند کارکرد اصلی اش را در رساندن سریع اخبار برای مردم انجام دهد. در این صورت مطمئنا مردم نیازهای خبری شان را از منابع دیگر به دست می آورند. حق دسترسی به اطلاعات علاوه بر این که یکی از حقوق مسلم مردم به شمار می رود و تطبیق و اعمال این حق در تحکیم ارزش های دموکراسی نقش ایفا می کند، گردش اطلاعات، نظارت همگانی بر کارکرد ادارات دولتی، تقویت حسن اعتماد مردم به حکومت، افزایش فرایند رقابت در عرصه های اقتصادی را نیز تسهیل می کند.

رویکردهای مختلف در جنگ با گروه طالبان

رحیم حمیدی



رویکردهای مختلف در جنگ با گروه طالبان در عین حال، باورمند به صلح می باشد اما، برخورد تساهل گرایانه حکومت را نمی پذیرد. حامیان سرکوب گروه طالبان در دنیال آن است تا با سرکوب و منکوب کردن گروه طالبان و تنگ کردن فضا این گروه را مجبور به مصالحه و گفتگو نماید. اما، رویکرد غالب در حکومت وحدت ملی چشم امید دوختن به صلح و برخورد تساهل گرایانه با گروه طالبان است. نهادهای و نیروهای امنیتی کشور نیز رویکرد واحد نسبت به گروه طالبان ندارند. نیروهای قطعات خاص گروه طالبان را تروریستی می پندارد. مصاحبه از نیروهای قطعات خاص با برخی تلویزیون ها در کندوز در جریان حمله بر طالبان مصاحبه نمودند و آن ها گروه طالبان را صراحتا تروریست خطاب می کرد. با این حال، در صفوف پلیس ملی و اردوی ملی مشخص نیست که چه رویکردی نسبت به گروه طالبان دارد. رویکرد آن ها اهمیت سیاسی دارد. اگر آن ها گروه طالبان را دشمن و تروریست پندارد و مقامات سیاسی صلاحیت سرکوب و منکوب آن ها را ندهد یک تناقض بزرگ به وجود می آید که تأثیر مخرب بر روحیه آن ها می گذارد. با این حال، ضرورت جدی وجود دارد که دیدگاه آن ها نسبت به گروه طالبان در نظر گرفته شود. شهروندان کشور نیز براساس گرایش های قومی خود به چند دسته تقسیم می شود. تاجیک ها و هزاره ها و ازبک ها با اکثریت

افغانستان چندین دهه است که خشونت مسلحانه را تجربه می کند. حضور نیروهای نظامی کشورهای عضو ناتو نیز نتوانسته است به خشونت ها پایان دهد. در ماه های اخیر میزان خشونت های مسلحانه نیز افزایش چشمگیری یافته است. کندز، بغلان، هلمند، ارزگان، فراه، بادغیس و بسیاری دیگر از ولایات کشور جنگ جریان دارد. طرف های جنگ مشخص نیست. در یک طرف حکومت افغانستان با حامیان بین المللی خود قرار دارد و در طرف دیگر گروه طالبان، داعش، شبکه القاعده و تعداد گروه های خورد دیگر. حکومت کابل و مقامات سیاسی جنگ افغانستان را به دو دسته تقسیم نموده است. جنگ با داعش و شبکه القاعده به عنوان تروریستان بین المللی و جنگ با گروه طالبان به عنوان جنگ تحمیلی و بیرونی.

در مورد جنگ با گروه داعش و شبکه القاعده به عنوان دو گروه تروریستی بین المللی اتفاق نظر وجود دارد. جامعه جهانی، حکومت افغانستان و نخبگان سیاسی در سرکوب داعش و شبکه القاعده اتفاق نظر دارد. هیچ نهاد و نخبه سیاسی در صد آن نبوده است تا از حملات بر داعش و شبکه القاعده کاسته شود. اتحاد نهادهای و نخبگان سیاسی در این زمینه باعث شده است که شبکه القاعده تضعیف گردد و قادر به ایجاد تهدید نکرده. اعضای شبکه القاعده با وجود اینکه داخلی و خارجی می باشند اما، اکثرشان متوالی شده اند و اکنون قادر نیست تهدید جدی متوجه حکومت و مردم افغانستان ایجاد نماید.

رویکرد نهادهای و نخبگان سیاسی نسبت به گروه طالبان و جنگ با این گروه متفاوت است. حامد کرزی، رئیس جمهور پیشین کشور از مخالفین جنگ با گروه طالبان است. او گروه طالبان همانند دیگر شهروندان کشور می پندارد و کنترل یک منطقه توسط این گروه را می پذیرد. حامد کرزی و حلفاء دور و بر او به شکل افراطی مخالف جنگ با گروه طالبان است. طالبان از این دیدگاه کرزی تا حد زیادی سود جست است. در زمانی که حامد کرزی حاکم سیاسی افغانستان بود این گروه موفق شد تعداد زیادی از زندانیان خود

کارتون روز بدون شرح. A cartoon illustration of a man in a long coat holding a large box over his head, with a speech bubble containing the text 'کارتون روز بدون شرح'.

نسبی در پی سرکوب گروه طالبان است. با وجود اینکه از پروسه صلح حمایت می کند اما، دست یابی به صلح را با برخورد از موضع ضعف امکان پذیر نمی داند. پشتون ها به شهری و روستایی تقسیم می شود. پشتون های شهری گرایش بیشتر به حمایت از نیروهای امنیتی کشور دارد. پشتون های روستایی اما، روابط تنگاتنگ با گروه طالبان دارد. اکثریت نسبی حامی گروه طالبان است و در بسیاری از خانواده ها عضوی از خانواده عضو گروه طالبان است و در رکاب گروه طالبان می جنگد. مقامات کابل اگر چه جنگ با گروه طالبان را تحمیلی و بیرونی می پندارد. اما، مسئله دیگر را فراموش نموده است و آن فقدان اشتراک نظر در مواجهه با گروه طالبان است. همین مسئله مشکل جدی به وجود آورده است. اکنون بر همه روشن است که طالبان از سوی کشورهای همسایه حمایت، تمویل، تجهیز و آموزش داده می شود. حکومت نیز با توجه به این مسئله بازنگری جدی نسبت به سیاست خارجی خود در قبال آن عده کشورهای همسایه نموده است که از گروه طالبان و دیگر گروه های شورشی حمایت می کند. اما، حکومت رویکردهای مختلف در میان نخبگان و مردم و نهادهای امنیتی کشور هیچ توجه نموده است. گروه طالبان برای برخی شهروندی عادی که حق دارد ولایت را از کنترل نیروهای امنیتی کشور خارج نماید و بر آن حکومت نماید و برای برخی دیگر دشمن شماره یک کشور است. دو دستگی و چند دستگی نخبگان و مردم در ارتباط با گروه طالبان فرصت آن را به وجود آورده است تا گروه طالبان بیشترین سود ممکن را ببرد. هم جلب و جذب خود را افزایش داده و هم فرصت سازماندهی حملات را پیدا نماید. در واقع، همه این فرصت ها را حکومت در اختیار این گروه قرار داده است/می دهد. تصمیم و اتفاق نظر در برخورد با شبکه حقانی و گروه داعش سبب شده است که این دو گروه با تمام نیرو سرکوب و منکوب شود. به گونه ای که اکنون شبکه القاعده قادر خلق هیچ نوع تهدید نیست. داعش با وجود اینکه حملات را در برخی نقاط کشور از جمله کابل سازماندهی نموده است اما، از سوی نیروهای امنیتی و بین المللی به صورت تمام عیار سرکوب می شود. حداقل نیروهای امنیتی کشور می داند که این داعش و شبکه القاعده دشمن مردم حکومت است. اما، فقدان اجماع در مورد طالبان منجر به هزینه های زیاد بر مردم و نیروهای امنیتی کشور شده است.

Footer section containing contact information for 'The Daily Afghanistan Ma' and 'Outlook Afghanistan'. It includes phone numbers (0798418161, 07991057371), email addresses (thedailyafghanistan@yahoo.com), and social media links for Facebook and Twitter. It also features the logo for 'Outlook Afghanistan' and the text 'The Leading Independent Magazine'.